



شناسایی سریع منطقه، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین عامل در پیروزی عملیات به حساب می‌آید، زیرا گذشت زمان به سود دشمن تمام می‌شود. و آن‌ها می‌توانستند در خط پدافندی جدید خود، استحکامات و مواضع بازدارنده‌ی جدیدی ایجاد کنند.

کار شناسایی، بلافاصله بعد از تعیین محدوده عملیاتی لشکر ۲۷ آغاز شد. این وظیفه‌ی مهم، بر عهده‌ی تیم‌های اطلاعاتی سپرده شد تا شناسایی را به صورت فشرده، از ارتفاعات دیدگاه‌های «کیولری» و «کنگرک» آغاز کنند.

شناسایی سریع منطقه، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین عامل در پیروزی عملیات به حساب می‌آید، زیرا گذشت زمان به سود دشمن تمام می‌شود. و آن‌ها می‌توانستند در خط پدافندی جدید خود، استحکامات و مواضع بازدارنده‌ی جدیدی ایجاد کنند. از ابتکارات خوب نیروهای واحد اطلاعات - عملیات لشکر ۲۷ در مدتی که در منطقه‌ی «درندیشان» حضور داشتند، می‌توان به استراق سمع مکالمه‌های بی‌سیم دشمن اشاره کرد، که به خاطر نزدیکی فاصله‌ی هوایی منطقه‌ی «درندیشان» با آن منطقه‌ی عملیاتی، عناصر اطلاعاتی لشکر ۲۷ با شروع عملیات والفجر ۴، در جریان عملیات و مراحل مختلف آن قرار گرفته بودند و اطلاعات مهمی درباره‌ی آخرین وضعیت و موقعیت یگان‌های پیاده‌ی کوهستانی و مکانیزه‌ی تابع سپاه یکم نیروی زمینی ارتش بعث، به دست آوردند. بدین ترتیب، آنان در شروع مأموریت شناسایی منطقه، اطلاعات لازم را از موقعیت و شرایط دشمن در اختیار داشتند. درباره‌ی چگونگی اجرای عملیات و تصرف ارتفاعات «کانی مانگا» و تسلط بر دشت «پنجوین» دو نظر وجود داشت. نظر اول این بود که به لحاظ وسیع بودن منطقه‌ی مورد نظر، بهتر است عملیات طی ۲ مرحله‌ی پیاپی انجام شود که در آن صورت، منطقه به دو بخش تقسیم می‌شد. نظر دوم این بود که تمام ارتفاعات و دشت شیلر، طی یک مرحله و در یک شب مورد هجوم قرار بگیرند. در نهایت نظریه‌ی دوم مورد قبول فرماندهی لشکر ۲۷ قرار گرفت.

براساس این طرح، ارتفاعات «کانی مانگا» توسط چند گردان آزاد می‌شدند و با تحقق این امر، شهر «پنجوین» با سقوط «تنگه‌ی پنجوین» (نام دیگر آن؛ روکان) به تصرف نیروهای ایرانی درمی‌آمد.

اعلام شد و متعاقب آن، به همت ابلاغ کردند که لازم است هر چه سریع‌تر لشکر تحت فرماندهی خود را، جهت شرکت در مراحل بعدی عملیات کوهستانی والفجر ۴، که به تازگی آغاز شده بود، از اردوگاه قلاجه جاکن کرده و به منطقه‌ی عملیاتی مریوان - پنجوین اعزام کند.

محمدابراهیم همت، به رغم عدم رضایت باطنی خود از این دستور، به سرعت دست به کار شد و با کمک کادرهای زحمتکش ستادی و عملیاتی لشکر ۲۷ خصوصاً واحدهای تدارکات و ترابری، کل نیروها و ساز و برگ نظامی و لجستیکی این یگان را، در قالب ستونی به طول بیش از سه کیلومتر؛ متشکل از ۲۰۰ دستگاه اتوبوس، نفربر و خودروهای سبک، از اسلام‌آباد غرب، به سمت کردستان حرکت داد و با این ستون‌کشی منظم و بی‌سابقه، قدرت بالای نظامی و سازمانی لشکرش را، به نمایش گذاشت. ورود کاروان شکوهمند نیروهای لشکر ۲۷ به منطقه‌ی عملیاتی مریوان، هم‌زمان شد با پایان مرحله‌ی دوم عملیات کوهستانی والفجر ۴. برابر شرح مأموریت محوله به همت، حد عمل تعیین شده برای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ﷺ) در مرحله‌ی سوم این عملیات، ارتفاعات پیچیده‌ی کانی مانگا در خاک عراق بود که از ارزش استراتژیک بالایی برخوردار بودند. برابر طرح مصوب عملیات، الحاق لشکر ۲۷ فقط از سمت راست و در ارتفاعات «شیخ گزنشین» با لشکر ۳۱ عاشورا صورت می‌گرفت. لشکرهای ۱۴ امام حسین (علیه السلام) و ۸ نجف نیز، بر روی ارتفاع الحدید عملیات می‌کردند. با تصرف کانی مانگا و الحدید، تنگه‌ی سوق الجیشی روکان به تصرف نیروهای ایرانی درمی‌آمد.

جمله مهم‌ترین آمادگی‌هایی که باید کسب می‌شد، شناسایی منطقه‌ی عملیاتی بود. منطقه‌ی مورد نظر سد و شهر «درندیشان» در استان سلیمانیه‌ی عراق بود که در شمال دشت ذهاب و غرب جوانرود قرار داشت. سد درندیشان عراق در بین ارتفاعات صخره‌ای و بلند منطقه‌ای قرار گرفته بود که آب متراکم در پشت دیواره‌ی آن تا کیلومترها، در بخش شمالی منطقه گسترش پیدا می‌کرد.

پوشش گیاهی در دامنه‌ی ارتفاعات و دره تراکم بیشتری داشت، به همین خاطر زیستگاه مناسبی برای حیواناتی چون گراز و بزکوهی بودند که این دو نوع حیوان به وفور در منطقه یافت می‌شدند.

ارتفاعات مهم منطقه عبارت بودند از: ارتفاع بَمو، شاخ خشیک (خشک)، زمینا کوه، برد دکان، شاخ شمیران و شاخ سورمر.

همت به محض دریافت ابلاغ آغاز روند شناسایی منطقه‌ی عملیاتی «بَمو» شخصاً هدایت نیروهای واحد اطلاعات و عملیات لشکر را برعهده گرفت و به رغم تحمل سختی‌ها و مشکلات فراوان، توانست با تلاش‌های بی‌وقفه‌ی عناصر واحد اطلاعات لشکر ۲۷، طی پنج ماه کار شبانه‌روزی، عملیات شناسایی را به پایان برساند و اطلاعات لازم را به دست آورد. حضور همت در شناسایی‌ها به قدری مستمر و بی‌وقفه بود، که وی حتی فرصت نمی‌کرد تا به همسر باردار و فرزند خردسالش، که در یکی از منازل سازمانی پادگان الله اکبر اسلام‌آباد مستقر بودند، سری بزند.

مهرماه ۱۳۶۲ در حالی که همه‌ی مقدمات برای آغاز عملیات در منطقه‌ی بَمو آماده می‌شد، به ناگاه از سوی فرماندهی عالی جنگ، این عملیات منتهی

